

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برکی از رموز عاشورا

از بیانات مرح عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

برگی از رموز عاشورا

از بیانات مرحوم عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

- ❖ به اهتمام: مؤسسه فرهنگی - مذهبی رسول اکرم صلی الله علیه و آله / کربلای معلی
- ❖ مؤسسه فرهنگی - خیریه ام ابیها علیها السلام / کربلای معلی
- ❖ چاپ: اول / ذی القعدة الحرام ۱۴۴۳
- ❖ تیراژ: ۵۰۰۰

فهرست

- ۵..... ضرورت دعا برای عزاداران حضرت سیدالشهدا علیه السلام
- ۹..... اجر خوف و هراس در عزاداری
- ۱۵..... آیا اطاعت از پدر و مادر واجب شرعی است؟
- ۲۰..... ضحایا عزاء الحسین علیه السلام
- ۲۴..... شهداء عزاء الحسین علیه السلام
- ۲۷..... دین‌بازی یا دینداری؟
- ۳۰..... بررسی موضوع «ضرر» در عزاداری امام حسین علیه السلام
- ۳۳..... جایگاه رفیع زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام
- ۳۴..... دو توصیه
- ۳۶..... اربعین را باید پرشورتر برگزار کرد
- ۳۹..... حساب و کتاب ما دست امام حسین علیه السلام است
- ۴۱..... مأمور معذور یا موزور؟
- ۴۳..... افزودن قابلیت‌ها و توانایی‌ها برای زیارت اربعین
- ۴۴..... آثار مخرب اظهار نظرهای غیر تخصصی
- ۴۶..... تعدد مطلوب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَظِيمِ اللَّهِ أَجْرًا وَأَجْرًا بِمَصَابِنَا سِيدِنَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بَارَهُ
مَعَ وَلِيِّهِ الْبَاهِمِ الْمَهْدِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلِيمِ السَّلَامِ

ضرورت دعا برای عزاداران حضرت سیدالشهدا عليه السلام

مصیبت شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را به مقام رفیع و عظیم و منبع امامت و ولایت، صاحب عصمت کبرای الهی، حضرت امام زمان عجلت الله تعالی فرجه تعزیت می گویم. هرچه در سنگینی و عظمت این مصیبت گفته شود باز هم کم است. هزار و سیصد سال از آن واقعه هولناک می گذرد اما همچنان تمامی ندارد. قرار تکوینی خدای عزوجل بر آن مقدر شده که عاشورا در بستر تاریخ تداوم بیابد تا ایام ظهور فرا رسد و انتقام گسترده حضرت قائم عجلت الله تعالی فرجه از ظالمان گرفته شود.

۱. بیانات مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی رحمته الله در گردهمایی بزرگ عزاداران حسینی در عاشورای ۱۴۴۱ ق.



با این حال از روایات، چه در لفظ و چه در فحوا و معنای آنها و چه به اجمال و چه به تواتر در فرمایش‌های علما، چنین برمی‌آید که انتقام حضرت باز تدارک آن مصیبت عظمی را نمی‌دهد و کار به قیامت می‌کشد.

در اینجا وظیفه شرعی خود می‌دانم از همه کسانی که در این دهه عاشورا آستین همت بالا زدند و به هر نحوی زحمت کشیدند، چه در کشورهای اسلامی و چه غیر اسلامی تشکر کنم. از گستره پهناور عزاداری حضرت سیدالشهداء^{علیه السلام} در شهرها و روستاها و قصبات و از خانه‌ها و مساجد و حسینیه‌ها و تکیه‌ها گرفته تا روضه‌ها و عزاداری‌های خیابانی و تشکیل هیئات و پول جمع کردن و پول خرج کردن و اطعام‌ها، نمی‌توان به سادگی حق تشکر و قدردانی را به‌جا آورد. به هر صورت، وظیفه شرعی ایجاب می‌کند از همه این عزاداران تشکر کنیم و برای آنها به درگاه خدای متعال دعا کنیم.

در این خصوص، با روایات بسیاری روبرو می‌شویم که حضرات ائمه اطهار^{علیهم السلام} با چشمانی اشکبار برای عزاداران



حضرت سیدالشهدا علیه السلام دعا می‌کردند. پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله از زمانی که حضرت امام حسین علیه السلام عمر مبارکشان چهار، پنج سال بیش نبود، برای کسانی که آن حضرت را یاری کردند با چشمانی اشکبار دعا می‌فرمود. در آن زمان هنوز حدود پنجاه سال مانده بود تا واقعه عاشورا رخ دهد. نیز حضرت امیرمؤمنان علیه السلام گریه می‌کردند، حضرت زهرا علیها السلام گریه می‌کردند، حتی پیش از همه این بزرگواران، آدم ابوالبشر بر حضرت امام حسین علیه السلام، گریه کرده است.

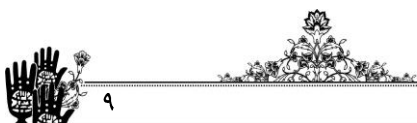
اگر نگاهی به روایات در این زمینه بیفکنیم می‌بینیم که اولین روضه‌خوان حضرت امام حسین علیه السلام خود خدای متعال است که برای جبرئیل روضه خواند و جبرئیل به سوی حضرت آدم فرود آمد و همان روضه را بر او خواند و حضرت آدم برای امام حسین علیه السلام گریه کرد و همان هم سبب آمرزش او شد. حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم السلام و حتی در بعضی روایات آمده که صد و بیست و چهار هزار پیامبر، به نحوی سرگذشتشان با حضرت امام حسین علیه السلام گره خورده و



داستان شهادت آن حضرت را به آن‌ها گفته‌اند و برای آن حضرت اشک ریخته‌اند. اینکه چرا چنین بوده و چه حکمتی در آن نهفته است، به تکوین و تشریح خدای متعال برمی‌گردد. مسلم آنکه گریستن بر آن حضرت فرض است و دیگر آنکه قصه آن حضرت پایان‌پذیر نیست و حتی روز قیامت هم پایان‌بخش آن نخواهد بود.

مانند همیشه جوانان عزیز را به مطالعه و تحقیق در این مطالب تشویق می‌کنم. بخوانید و با شگفتی‌ها و معجزات فراوانی که برای پیامبران در خصوص حضرت سیدالشهدا علیه السلام رخ نموده است آشنا شوید. کتاب‌هایی همچون کامل الزیارات، کتاب علامه مجلسی یا کتاب شیخ عباس قمی و یا کتاب‌های دیگر، سراسر مطالبی ارزشمند و شایسته خواندن دارد؛ لذا به قدر وقتی که دارید از مطالعه در این زمینه‌ها غفلت نکنید.

من از همه شما تشکر و برایتان دعا می‌کنم. در نماز خود را مقید کرده‌ام برای شما عزاداران حضرت سیدالشهدا علیه السلام دعا کنم. منی هم بر هیچ کس ندارم. این کار را به تأسی از معصومین علیهم السلام به عنوان وظیفه‌ای شرعی بر خود لازم می‌دانم.



اجر خوف و هراس در عزاداری

خوشا به حال عزاداران ابا عبدالله الحسین علیه السلام که روزگاری شال نوکری حضرت را بر کمر بسته بودند و اینک از میان ما رفته‌اند. و خوش به حال آنان که در دهه عاشورای امسال، در راه اقامه شعائر مقدس اهل بیت علیهم السلام صدمه خوردند و اذیت شدند، درد کشیدند، ناخوشی‌ها را تحمل کردند، کتک خوردند، حبس کشیدند، شکنجه شدند و یا اموالشان را مصادره کردند. به راستی که حال آن‌ها رشک‌برانگیز است. ائمه طاهرین علیهم السلام نه یک بار و دو بار، بلکه بارها بر اجر والای خوف و ترس در اقامه شعائر مقدس اهل بیت علیهم السلام تأکید و تشویق کرده‌اند. پس در این راه اگر بلایی بر سرمان آمد، می‌بایست تحمل کرد و استقامت ورزید و ثبات داشت و آن را پذیرفت؛ چراکه هرچه خوف در این کار بیشتر شد اجر آن هم بیشتر است.

یک تهدید کافی است تا آدم شب را تا صبح نخوابد. کسی که خانه یا مغازه‌اش را در این راه از دست می‌دهد، البته زندگی‌اش با هراس و خوف بسیاری آمیخته است. در کل خوف و وحشت



در اجرای شعائر هر چه بیشتر باشد، از منظر اهل بیت علیهم السلام اجر و ثواب بیشتری در پی خواهد داشت و بر مقام عزادار افزوده خواهد شد. از مضمون روایات چنین برداشت می‌شود که کسی که دو روز برای اقامه عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام حبس کشیده از کسی که یک روز به حبس رفته است، اجر بیشتری دارد، چه رسد به کسی که ماه‌های متمادی را برای اقامه شعائر حسینی در زندان سپری کرده باشد.

داستان امام حسین علیه السلام و کارزار کربلا صحنه عجیبی در برابر ما می‌گشاید. در یک سوی آن تولی به آن حضرت است و در سوی دیگر تبری از دشمنان ایشان و در این میان حدّ وسطی وجود ندارد. حضرت می‌فرماید که ثواب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را آن‌گونه که ما می‌دانیم برای شیعه‌ها بازگو نکرده‌ایم که مبادا دیگر کسی به حج نرود. با این سخن حضرات معصومین علیهم السلام در پی چه هستند و چه می‌خواهند بگویند؟

باز تشکر و قدردانی‌ام را متوجه همه کسانی می‌کنم که در این دهه عاشورا و قبل و بعد آن، متعرض آزار و اذیت شدند و به



مشکلات مختلف دچار گردیدند. خوشا به حال کسانی که مشکلات خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و صحی (درمانی) مثل مریض شدن و به بیمارستان افتادن برای آنها پیش آمد و وای به حال کسانی که این مشکلات را برای آنها آفریدند و به آنها صدمه زدند! و چه بد سرانجامی، چه در دنیا و چه در آخرت پیش رو دارند.

خدا ممکن است از خودش [و حقوقش] بگذرد، اما از امام حسین علیه السلام نمی‌گذرد، به این معنی که در قصه امام حسین علیه السلام و شعائر مقدس ایشان هیچ گونه تسامح و قصوری را روا نمی‌داند. خدای متعال از در امتحان به حضرت امام حسین علیه السلام اجازه داد که تکویناً به آن وضع کشته شود و فرزندان و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله به اسارت بروند آن هم با آن وضع مصیبت بار و سختی‌های فراوانی که در راه اسارت متحمل شدند، اما شگفت آنکه هنگامی که در زمان عباسیان بر قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام آب گرفتند، خدای متعال اجازه نداد که یک قطره آب به قبر مبارک بنشیند.



حضرت حجت عزیزنازه العظیم در بیان عمق فاجعه کربلا می فرماید:
 «إن جدي الحسين قتلوه عطشاناً؛ جدّ من، حسین را [با لبانی]
 تشنه کشتند».

خدای متعال در تکوین خود چنین مقدر کرد و در برابر کسانی که این جسارت را کردند به ظاهر چیزی نگفت، اما ببینید چه کرد با کسانی که آب را بر آن حضرت بستند و چه سرنوشت شومی در دنیا داشته‌اند و در آخرت چه عاقبتی. هزار و چهارصد سال است که از به درک واصل شدن آن جنایتکاران گذشته است و همچنان به سزای کرده‌شان در دوزخ می‌سوزند و جهنم مأوای آنان خواهد بود.

بد نیست در همین جا سفارشی به آقایان محترم بکنم که بر زنان مکرمه‌تان برای شرکت در مراسم عزاداری خرده‌گیری نکنید. کار خوبی نیست و خدای ناکرده پیامدهای بدی در پی خواهد داشت. برای حضرت امام حسین علیه السلام چه ایرادی دارد که قدری ناملایمات را تحمل کنیم، اندکی زندگی مان سخت بگذرد. اگر خانم‌ها در اجرای وظایف خود به سبب شرکت در



عزاداری‌ها اندکی سستی کنند، مناسب نیست که به روی آن‌ها بیاوریم یا با بازخواست‌ها و گله‌های خود خاطرشان را برنجانیم. از بعضی آقایان می‌شنویم که می‌گویند زن‌ها با این رفتارها بدعادت می‌شوند. خب بشوند، باز هم آن اندازه اهمیت ندارد که با بازداشتن آن‌ها از شرکت کردن در عزای ابا عبدالله علیه السلام، بلایی دامن آن‌ها را بگیرد.

کارشکنی در عزاداری امام حسین علیه السلام، هر چقدر هم کم باشد، زیاد است. تصور کنید در گرمای شدید، اگر کسی سوار بر خودرو، کاغذی را با دست از پنجره ماشین بیرون بگیرد و آن را کیلومترها در معرض تابش شدید آفتاب سوزان مثلاً بالای پنجاه درجه قرار دهد، آیا می‌سوزد؟ نه، به این شیوه نمی‌سوزد. اما اگر یک ذره بین به قدر کف دست را روبروی آن کاغذ بگیریم دقیقه‌ای نگذشته آتش می‌گیرد.

ذره بین که گرمای صدها کیلومتر را جمع نکرده است، فقط گرمای سطحی به اندازه کف دست را بر روی کاغذ متمرکز می‌کند. همان برای سوختن کاغذ کافی است. قصه امام حسین علیه السلام و



تأثیرات آن بی‌مشابهت نیست به ذره بین. همه چیز مثبت و منفی در آن تمرکز می‌یابد و اثری چندین برابر و فوری به جا می‌گذارد. از این رو باید از سلبیات و منفی‌بافی جداً پرهیز نمود که خدای ناکرده بالفور دامن انسان را می‌گیرد.

نیز پدرها و مادرها را سفارش می‌کنم که پسرها و دخترهای جوان خود را به اقامه شعائر مقدس اهل بیت علیهم‌السلام تشویق کنند و اگر در این زمینه ناملایماتی دیدند هم با سعه صدر از آن بگذرند و مانع شرکت کردن فرزندانشان در عزاداری‌ها نشوند. از آن سو فرزندان را نیز به رعایت حال پدرها و مادرها توصیه می‌کنم. قصه امام حسین علیه‌السلام بی‌نظیر است و استثنای بسیاری با خود به همراه دارد. بارها پدرها و مادرها از جوانان خود و یا فرزندان از پدرها و مادرها نزد من شکایت کرده‌اند. جوان می‌خواهد فلان شعیره مقدس را انجام دهد، مادرش مانع می‌شود و می‌گوید: راضی نیستم. چرا باید پدرها و مادرها از انجام چنین کارهای مقدسی مانع شوند؟ چرا نمی‌گذارند فرزندانشان حسینی بار بیابند. بگذارید جوانان فداکاری‌هایشان را در راه امام حسین علیه‌السلام



انجام دهند. این توجه‌ها و تألم‌ها را باید پدرها و مادرها در زمینه‌های دیگری داشته باشند.

آیا اطاعت از پدر و مادر واجب شرعی است؟

در اینجا طرح مسئله‌ای شرعی که دربردارنده یکی از واجبات کفایی است ضرورت دارد. مسئله‌ای که اغلب آن را نمی‌دانند و هم خودش واجب کفایی است و هم بیان آن برای دیگران. آموختن مسائل شرعی‌ای که محلّ ابتلاست واجب عینی است و گذشته از آن، بیان و ترویج آن‌ها در میان کسانی که با آن‌ها آشنا نیستند نیز واجب کفایی است.

البته آقایان علما با این موضوعات آشنا هستند و در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند. مسئله از این قرار است: اطاعت سه نفر واجب است: خدا، پیامبر خدا و سیزده معصوم دیگر علیهم‌السلام همان‌گونه که خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ ای کسانی که ایمان

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.



آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید».

اولوالأمر هم حضرت زهرا علیها السلام و امیرمؤمنان علی علیه السلام و یازده امام از فرزندان اوست. تا اینجا خدای متعال برای اطاعت واجب از پدر و مادر جایگاهی در نظر نگرفته است. آیا فقیه مسلمانی سراغ دارید که اطاعت پدر و مادر را واجب بدانند؟ البته که نه. اما اذیت‌کردن پدر و مادر حرام است و در اصطلاح «عقوق» نام دارد. برای مثال، قهرکردن با پدر یا مادر نوعی عقوق است و از کبائر گناهان و محرمات آشکار است. عقوق به انحاء مختلف ممکن است به وجود آید. کتک‌زدن پدر و مادر و توهین به آنها و در کل، ایذاء آنها از محرمات است. اما همان‌گونه که گفتیم ایذاء و نه تأذی. تأذی پدر و مادر از دست فرزندان، بنا به نظر مشهور فقها از محرمات نیست اما ایذاءشان البته حرام است.

به قدر ادای واجب کفایی این مسئله را بیان کردم. بعد از این هرکس خود وظیفه دارد طول و تفصیل بیشتر وظیفه‌اش را دنبال کند. مادرها و پدرها نباید از حدودی که شارع معین فرموده



تجاوز کنند. امر و نهی نکنید به بچه‌هایتان. اطاعت شما بر فرزندانتان واجب نیست. آری، حرام است که فرزندانتان با شما قهر کنند و این کار همان عقوق است که در شرع مقدس از آن نهی بسیار شده است و به اختصار ایذاء پدر و مادر از سوی فرزند حرام است و نه تأذی آنان که ممکن است ناشی از کاری باشد که خلاف امر خدا و پیامبر و اولوالامرش نبوده است.

زن و شوهر هم باید مراعات حال یکدیگر را بکنند و به وظایفی که نسبت به یکدیگر دارند که اغلب جنبه استحبابی دارد عمل کنند. اگر شوهر تندی کرد، خانم خویشتنداری کند. اگر هم خانم از کوره در رفت، شوهر مراعات حالش را بکند و با او کنار بیاید. همه اینها جنبه واجب یا حرام ندارد. حقوق واجب زن و شوهر به تفصیل در فقه ذکر شده است. مطالعه آنها را خاصه برای زنان توصیه می‌کنم تا از وظیفه خود در موارد ابتلا آشنا شوند. مبدا واجبی را به این گمان که کار خوبی انجام می‌دهند ترک کنند. در آن صورت معذور نیستند، مگر کسی که به راستی میان خود و خدایش قاصر باشد.

آنچه رفت عمومی بود از مسائل مورد ابتلای اکثر مردم.



حاصل آنکه در خصوص امام حسین علیه السلام سعه صدر بیشتری از خود نشان بدهیم. خانمها با شوهرها و شوهرها با همسرانشان در این ایام برای پاسداشت عزای امام حسین علیه السلام با خویشنداری و گذشت بیشتری رفتار کنند. جای دوری نمی‌رود. این مثل همان مثال صفحه کاغذ و ذره‌بین است. امام حسین علیه السلام ترکیز می‌کند و نتایج خوب و یا خدای ناکرده بد رفتارمان در این ایام به سرعت نمایان می‌شود.

در روایات آمده است - و در سال‌های گذشته بدان اشاره کرده‌ام - که زمین هم مکلف است. اما چه تکلیفی؟ زمین مکلف است هنگامی که دشمن امام حسین علیه السلام را آوردند و در آن دفن کردند، آنقدر که قدرت دارد بر او فشار آورد و تا آنجا که می‌تواند او را عذاب می‌دهد و این جدای از نکیر و منکر و تعذیبی است که از آنان می‌رسد.

در پاره‌ای روایات سخنی از عمود آتشین رفته که نکیر و منکر در دست دارند. عمودی نه از جنس فلز یا چوب یا سیمان و آجر، که در دنیا نظیری برای آن وجود ندارد. در آن جهان - پناه به خدا - آتش مانند فولاد می‌شود، آن هم داغ و آتشین.



حضرت امام رضا علیه السلام درباره یکی از افرادی که با انکار امامت امام مایه گمراهی بسیاری شد فرمودند که هنگامی که او را دفن کردند ملائکه موکل با عمودی آتشین چنان ضربه‌ای به او زدند که قبرش از آن ضربه تا روز قیامت شعله‌ور خواهد بود. نه خاموش می‌شود و نه سرد می‌گردد.^۱ حیف است که انسان درباره امام حسین علیه السلام به این گونه سرنوشتی دچار گردد. در آن صورت شاید راهی برای جبران و نجات او باقی نماند.

پس انسان باید در این عرصه جانب احتیاط در پیش بگیرد، چه رسد به اینکه نصوصی حاکی از حرمت یا وجوب در خصوص پاره‌ای مطالب مرتبط با آن حضرت علیه السلام در دست است که جایی برای ابهام و گنگی باقی نمی‌گذارد.

خوشا به حال کسانی که در راه امام حسین علیه السلام کشته شدند، چه آنهایی که در عاشورای سال ۶۱ هجری جانشان را در راه

۱. اشاره به علی بن ابی حمزه بطائنی است که در ابتدا جزو یاران و وکلای حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بوده ولی امامت امام رضا علیه السلام را نپذیرفته است. بسیاری او را از سران «واقفیه» به شمار آورده‌اند.



مولایشان فدا کردند و چه کسانی که بعدها تا به امروز در اقامه شعائر و دفاع از آن‌ها جان دادند، شکنجه دیدند یا حبس کشیدند؛ خوشا به سعادتشان و بدا به حال کسانی که در اجرای شعائر مقدس آن امام کارشکنی کردند، چه در کشورهای اسلامی و چه غیر اسلامی.

در محرم امسال عده‌ای از عزاداران طویریج هنگام برپایی عزاداری با آن فاجعه هولناک روبرو شدند و بر اثر آن جان خود را از دست دادند. خوشا به حالشان، چه سعادت بزرگی نصیبشان شد. خدای متعال به بازماندگانشان اجر و صبر مرحمت کند و مجروحان و معلولان آن فاجعه را عافیت دهد.

ضحایا عزاء الحسین علیه السلام

قریب به پنجاه و چند سال پیش مشابه این حادثه را از نزدیک شاهد بودم. من به همراه اخوی‌ها و مرحوم پدرمان عادتاً در عزای طویریج شرکت می‌کردیم. علما و اساتید حوزه و مراجع تقلید تا حتی پزشکان و مهندسان و کسبه و هرکه این توفیق



شامل حالش بود در آن شرکت می‌کرد. در آن زمان مشابه این حادثه در ورودی یکی از درهای حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام به نام قاضی الحاجات اتفاق افتاد. بنده خودم از ورودی قاضی الحاجات وارد صحن مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام شدم و پس از من جمعیت عزاداران که از طویریج می‌آمدند وارد صحن شدند.

این عزاداران قبل از ورود به صحن در ابن حمزه - که مزار یکی از علمای بزرگ شیعه است - توقف می‌کنند، نماز ظهر و عصر را در آنجا می‌خوانند، سپس سید معممی که از اهالی طویریج است سوار بر اسبش می‌شود و واحسین گویان به سوی روضه شریفه امام حسین علیه السلام راه می‌افتد. جمعیت هم دوان دوان به طرف حرم سرازیر می‌شدند. از شارع قبله العباس به سوی میدانی می‌رسیدند، سپس بازار عرب‌ها را پشت سر می‌گذاشتند و از ورودی قاضی الحاجات وارد صحن مطهر حضرت امام حسین علیه السلام می‌شوند. آن زمان که ما در کربلا بودیم در و ضریح یا چیز دیگری حاجز نبود.



هنگامی که دسته عزا وارد حرم مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام می شد همان گونه که گفتیم به همان شیوه دوان دوان بر سر می کوبند و از ورودی قاضی الحاجات وارد می شدند و سپس از ایوان قبله وارد روضه مطهر حضرت می شوند، روبروی ضریح مقدس از سمت سر مبارک حضرت دور ضریح می چرخند و از طرف پشت مزار مطهر حضرت، از سمت قبر مطهر حضرت علی اکبر علیه السلام به سوی حرم حضرت ابالفضل علیه السلام می روند.

در آن سال من شاهد بودم که دسته عزا وارد حرم شد. صدها نفر بودند و اتفاقی مانند حادثه امسال در آنجا رخ داد. عده‌ای روی زمین افتادند. عزاداران دیگر که همچنان در پی آن‌ها می آمدند آن هم به حالت دویدن و هروله بر سر آن‌ها افتادند. به همین شکل بعدی‌ها و بعدی‌ها هم بر سر یکدیگر افتادند و حادثه غم‌انگیز و دلخراشی پدید آمد.

این حادثه چند دقیقه‌ای بیشتر طول نکشید و عده زیادی از عزاداران در آستانه حرم محبوبشان جان دادند. از طرفی گویا تقدیر الهی بر این بود که ما و بسیاری دیگر از حضار حرم هیچ



یک در آن لحظه به کمک آن‌ها نرفتیم. «إذا جاء (وقع) القدر، عمی البصر؛ هنگامی که تقدیر نازل شود، دیدگان [از چاره‌جویی] کور می‌گردند».

تقدیر خدا بر این بود که این عده در حین عزاداری کشته شوند، عده‌ای هم معلول شدند و با زحمت آن‌ها را از جمعیت بیرون کشیدند. گروهی هم دست به کار شدند و به دنبال نام و نشان کشته شده‌ها می‌گشتند. با پرس‌وجو کردن و چسباندن عکس در این طرف و آن طرف تلاش کردند و اسم و رسم آن‌ها را مشخص کردند. مرحوم اخوی، آقا سید حسن شیرازی قدس سره متصدی این کار شد و گروه‌های مختلفی را برای شناسایی کشته شده‌ها به نقاط مختلف گسیل کرد. با وجود همه آن تلاش‌ها باز هویت دو سه نفری از آن‌ها مشخص نشد. یک کتاب هم به نام «ضحایا عزاء الحسین علیه السلام» چاپ شد که دربردارنده نام و نشان و عکس قربانیان آن حادثه بود و به دفعات بسیار هم تجدید چاپ شد.



شهداء عزاء الحسین علیه السلام

بد نیست مطلبی هم درباره وجه تسمیه و تاریخچه این کتاب بگویم. ابتدا قرار بود نام کتاب «شهداء عزاء الحسین علیه السلام» باشد. من در جریان تولید کتاب و این قصه از نزدیک شاهد بودم. یکی از علمای صاحب‌نام آن موقع به عنوان کتاب و استفاده از عنوان شهید برای کشته‌شده‌های عزای طویریچ اعتراض کرد.

قبل از هر چیز ناگفته نگذاریم که صرف یک سخن برای بدبختی انسان کافی است. بیان یک مطلب منفی و سلبی در راه امام حسین علیه السلام، چه بسا انسان را به حسیض بدبختی و بیچارگی دنیا و آخرت بکشاند. واقعاً که قصه امام حسین علیه السلام، ترس‌برانگیز است. با احتیاط باید با آن روبرو شد. تقصیر بماند، قصور هم در آن بخشودنی نیست. آن هم اگر واقعاً طرف قاصر بوده باشد. البته که خدای متعال عادل است و عذاب را برای تقصیر آدمی قرار داده است و نه قصور، با این حال قصه امام حسین علیه السلام از جنس دیگری است و حقا که آن حضرت را استثنای عالم وجود باید دانست.



قصور در قصه امام حسین علیه السلام کمتر پیامدی که ممکن است به همراه داشته باشد این است که نعمت‌هایی را که قرار بوده نصیب انسان قاصر شود از او سلب کند؛ چراکه اگر انسان هر چند قاصر باشد و بر روی آتش بیفتد، البته که خواهد سوخت. اما مثلاً اگر از روی قصد شیشه عطری از دستش بیفتد، پیامدی جز انتشار بوی خوش ندارد و خرده‌چندانی بر او نمی‌توان گرفت. این تفاوت قصور است با تقصیر. راهی برای قصور و تقصیر در مسائل تکوینی نیست. خدای عزوجل بیش از هر چیز دیگر قصه امام حسین علیه السلام را به تکوین گره زده است. از این رو باید با حذر به مسائل مربوط به آن حضرت نزدیک شد و از اطلاق هر سخن منفی‌گرایانه نسبت به آن حضرت جداً پرهیز کرد. وای به حال آنان که برای شعائر مقدس آن حضرت مشکل‌آفرینی می‌کنند.

آری، یکی از علمای آن زمان با لحن تندی متعرض مرحوم اخوی رحمته الله شد که چرا نام کتاب را «شهداء عزاء الحسين علیه السلام» گذاشته‌اید. ایشان به مرحوم آقا سید حسن گفت که شما یک



مشت آدم را که معلوم نیست چقدر با مسائل پاکی و نجسی آشنا هستند - و شاید با لحن و تعبیری زشت‌تر - شهید می‌نامید. مرحوم اخوی که از رفتار زننده آن عالم تا حدی رنجیده بود، به همین دلیل نام کتاب را به «صحایا امام الحسین علیه السلام» تغییر داد و با همین نام چاپ شد.

اما آن عالم. من تا حدی که در کربلا ساکن بودم دیدم که ایشان بعد از عمری درس خواندن و مجاهدت علمی دست آخر به نان شبس محتاج شد و از این و آن قرض می‌کرد تا امورات روزمره‌اش را بگذراند. کارش به جایی کشید که شخصی به من گفت فلانی (یعنی همان عالم) آمده است از من قرض کند تا اجاره‌خانه‌اش را بدهد. او هم به او نداد.

قصه امام حسین علیه السلام، خیلی جای ترس و حذر دارد. وقتی که در آتش افتاد و سوخت دیگر پشیمانی سودی ندارد. برای گفتن یک کلمه به چنان زندگی پر مشقت و با فقر و نداری گرفتار شد. بنده جز همان یک برخورد زننده در خصوص عزاداران امام حسین علیه السلام، نکته منفی دیگری در زندگی او سراغ ندارم. با تندی



و وقاحتی زنده گفت آیا شما نام اینها را شهید می‌گذارید؟ آیا مگر جز این است که در روایت آمده است: «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً؛^۱ هرکس که با محبت خاندان [حضرت] محمد ﷺ بمیرد، شهید از دنیا رفته است».

دین‌بازی یا دینداری؟

متأسفانه عده‌ای آشنایی کامل با مسائل شرعی ندارند و به بیان و تبیین حلال و حرام خدا می‌پردازند. می‌گویند این حلال است یا فلان کار حرام است، بی‌آنکه با موازین علمی آشنا باشند. در روایتی مذکور است که حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام در ایام حج در مسجد الحرام نشسته بودند و عده‌ای هم در خدمتشان حاضر بودند و از محضر آن بزرگوار مسئله می‌پرسیدند. در آن هنگام ابا یوسف، قاضی و مفتی معروف عباسی وارد شد. ابا یوسف در زمان سه تن از خلفای عباسی منصب قاضی القضاتی را - که به عبارتی دومین مقام عالی

۱. منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۱۹۹.



مملکت در آن زمان بود - بر عهده داشت.

در زمان هارون و مأمون و هادی عباسی، وی قاضی القضاات همه ممالک اسلامی بود. یعنی نه فقط در ایران یا عراق و شام بلکه در همه سرزمین‌های اسلامی ایشان مقام دوم کشور را داشت.

ابا یوسف با عده‌ای وارد مسجد شد و در مقابل حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ایستاد و به استهزا مسئله‌ای طرح کرد و گفت: شما به شیعیان تان چنین گفته‌اید؟ حضرت فرمودند: بله. و پیش از آنکه ابا یوسف دلیل آن را بپرسد فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین عمل کردند. ما نیز در این مسئله این گونه عمل می‌کنیم. سپس حضرت بدون آنکه ابا یوسف، شخص دوم مملکت اسلامی چیزی در حد ریاست جمهور یا رئیس وزرای امروز و شاید هم بالاتر، چیزی بگوید فرمود: «انتم تلعبون بالدين»^۱

۱. بشر بن اسماعیل قال: قال لي محمد [بن اسماعیل]: ألا أسرك يا ابن مثنى؟ قال: قلت: بلى وقمت إليه، قال: دخل هذا الفاسق أنفا فجلس قبالة أبي الحسن عليه السلام ثم أقبل عليه فقال له: يا ابا الحسن ما تقول في المحرم أيسنظل على الحمل؟ فقال له: لا، قال: فيسنظل في الخيا؟ فقال له: نعم، فأعاد عليه القول شبه المستهزئ يضحك فقال: يا أبا الحسن فما فرق بين هذا وهذا؟ فقال: يا أبا



شما دین را بازیچه خود قرار داده‌اید».

یوسف إنَّ الدین لیس بقیاس کقیاسکم. أنتم تلعبون بالدین. إِنَّا صنعنا کما صنع رسول الله ﷺ، وقلنا کما قال رسول الله ﷺ. کان رسول الله ﷺ یرکب راحلته فلا یستظلُّ علیها وتؤذبه الشمس فیستر جسده بعضه ببعض وریما ستر وجهه بیده وإذا نزل استظلُّ بالخبأ وفيء البیت وفيء الجدار؛ بشر بن اسماعیل گوید: محمد [بن اسماعیل] به من گفت: آیا می‌خواهی خوشحالت کنم، ای پسر منّی؟ گفتم: بله. و به سوی او پا شدم. گفت: این فاسق [اشاره به ابویوسف قاضی] چندی پیش نزد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رفت و در برابر او نشست و گفت: ای ابوالحسن، درباره محرم چه می‌گویی آیا می‌تواند در زیر [سایه‌بان] محمل قرار بگیرد؟ حضرت فرمود: خیر. [دوباره] پرسید در زیر خباء (چادری از کرک یا پشم یا مو) چطور؟ حضرت فرمود: آری. [ابو یوسف] به گونه‌ای استهزا آمیز و با خنده به حضرت گفت: یا ابا الحسن، چه فرقی میان این و آن هست؟ فرمود: ای ابا یوسف، دین بر اساس قیاس، همانند قیاس‌هایی که شما می‌کنید، نیست. شما با دین بازی می‌کنید. ما همان کاری را می‌کنیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد و همان چیزی را گفتیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بر مرکب خود می‌شد و بر روی آن برای خود سایبانی برنمی‌افراشت. و [سوزش] آفتاب او را آزار می‌داد. حضرت با بعضی قسمت‌های بدنش قسمت‌های دیگر را می‌پوشاند، یا اینکه با دستش بر چهره‌اش سایه می‌انداخت. و اگر پیاده می‌شد در سایه خبأ (چادر) و خانه و دیوار پناه می‌گرفت (الکافی، چاپ اسلامیة، ج ۴، ص ۳۵۰).



بررسی موضوع «ضرر» در عزاداری امام حسین علیه السلام

متأسفانه بعضی افراد هنگامی که با قصه امام حسین علیه السلام مواجه می‌شوند دین‌بازی‌شان گل می‌کند. شروع می‌کنند به اظهارنظرهایی از نزد خود که پایه و اساسی در باورها و نصوصی که در دست داریم ندارد. برخی موضوع «ضرر» را پیش می‌کشند و اظهار می‌کنند نباید در جریان عزاداری و اقامه شعائر ضرری متحمل شود. این مطلب من‌عندی است و در میان فقها مردود است. آری، در سه جا ضرر دیدن حرام است. یکی جایی است که انسان بی‌جهت خودش را بکشد. مثلاً در جنگی که به امر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا به امر امیر مؤمنان علیه السلام یا دیگر امامان علیهم السلام نبوده باشد. جدای اینگونه موارد اگر کسی خود را به کشتن دهد و به عبارتی خودکشی کند، کارش حرام است. قرآن کریم هم می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ؛^۱ و خودتان را مکشید». دیگری اینکه انسان یکی از اعضای بدنش را بی‌دلیل قطع کند.

۱. سوره نساء، آیه ۲۹.



طبعاً عمل‌های جراحی بیرون از این موضوع است. مثل کسی که بینی‌اش را قطع کند یا گوش و یا یکی از انگشتانش را. قطع کردن بی‌مورد هریک از اندام‌های بدن حرام است. حتی از بین بردن یکی از قوای بدن مثل بینایی، شنوایی، حس بویایی یا ذائقه نیز حرام است. در این مورد از موارد ضرر رساندن به خویش، مواردی که خانم بی‌آنکه ضرورتی اقتضا کند قوه تناسلی و قابلیت زاد و ولد خود را از بین ببرد نیز جا می‌گیرد. پس از بین بردن هر یک از قوای بدن انسان مثل قطع کردن است و حکم آن حرام است.

سومی «تعرض به أخطار العظيمة» است. یعنی انسان کاری بکند یا مثلاً چیزی مصرف کند که به هلاک او بینجامد. مثلاً موجب شود - خدای ناکرده - به بیماری صعب‌العلاجی مانند سرطان مبتلا شود. اینجا هم البته مراد هر ضرری نیست. اموری که موجب می‌شود در درازمدت مثلاً پنجاه سال بعد، فرد به بیماری بدی گرفتار شود برای مثال پوکی استخوان بگیرد، در این قسم جای نمی‌گیرد. اینها مثل «الناس مسلطون علی أموالهم» است نه مانند آنکه کاری بکند که زود منجر به سرطان، سل و بیماری قند و



امثال اینها شود. خارج از اینها مثلاً اگر کسی کم‌خواب باشد در درازمدت ممکن است با مشکلاتی در سلامتی‌اش مواجه شود، این قبیل ضرررسانی‌ها مکروه است اما حرام نیست.

حلال خدا را حرام شمردن نزد خدا گناه بسیار سنگینی است. خدای متعال در قرآن کریم به اشرف مخلوقاتش از اولین تا آخرین می‌فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ❖ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ❖ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ^۱؛ و اگر [او] پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود × دست راستش را سخت می‌گرفتیم × سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم».

این کلام خدای متعال، اهانت به پیامبر ﷺ نیست، بلکه نشانگر آن است که چه اندازه بیان احکام نادرست در نزد خدای عزوجل اهمیت دارد. بسیاری نه اینکه فقیه باشند، اصلاً آشنایی هم با فقه ندارند و می‌گویند فلان چیز حرام است. حال اگر فقیه چنین اشتباهی بکند، قصه دیگری است.

۱. سوره حاقه، آیات ۴۴ الی ۴۶.



جایگاه رفیع زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام

قصه امام حسین علیه السلام حساسیت زیادی در نزد خدای متعال دارد و باید در آن بسیار با دقت بود. هرچه از جایگاه و اهمیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در نزد خدای متعال بگویم باز کم گفته‌ام. تا آنجا که من خوانده‌ام و آشنا هستم، حضرت فرمودند که می‌ترسم اگر ثواب و اهمیت زیارت قبر امام حسین علیه السلام را برای شما بگویم، دیگر حج را ترک کنید. چه چیزی می‌خواستند بگویند که ترس آن می‌رفت که مردم زیارت خانه خدا را رها کنند؟ الله اعلم. در روایتی دیگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ثواب زیارت قبر امام حسین علیه السلام را برابر با یک حج و دو حج و تا ده حج و حتی صد حج بیان فرموده است.

به هر صورت، کسانی را که متصدی هیئت و حسینیه هستند یا موكبی را اداره می‌کنند، بیشتر از دیگران سفارش می‌کنم که در قضیه امام حسین علیه السلام نهایت دقت را صرف کنید و از منفی‌بافی‌ها جداً پرهیز کنید. نگذارید پاره‌ای سخنان بی‌اساس بر اراده و محبت عزاداران امام حسین علیه السلام تأثیر منفی بگذارد.



گامی فراتر پیش برویم و مسئولان حکومت‌ها، اسلامی و غیر اسلامی، و وزرا و نمایندگان و استانداران و شهردارها و هر مسئول و کارمند، در قضیه امام حسین علیه السلام، احتیاط بیشتری بورزند؛ زیرا اهمال و اشتباه در آن خطرات جدی در دنیا و آخرت به دنبال دارد و خدای ناکرده موجب بدبختی در دنیا و آخرت می‌شود.

دو توصیه

دو مطلب دیگر را به اختصار عرض کنم. یکی اینکه دهه اول عاشورا سپری شد، اما از قصه امام حسین علیه السلام، پنجاه روز دیگر هم مانده است؛ بیست روز باقیمانده از محرم و همه ماه صفر. نهایت تلاش خود را صرف کنید که حرارت و نشاط خود را در این مدت تا آخر حفظ کنید. در این راه از هرچه در توان دارید دریغ نکنید. اگر قرض هم بگیرید شایسته است، هرچند نتوانید قرض خود را ادا کنید و به قرض گرفتن‌های دوباره و سه باره بیفتید. چه بسیار بزرگان و مراجعی را دیدم که برای امام حسین علیه السلام، مکرر قرض می‌گرفتند. یک بار و دو بار و سه بار تا



حتی ده بار از این و آن قرض می‌گرفتند تا قرض‌های قبلی را پردازند. هیچ ایرادی بر این کار نیست و از موارد اقامه شعائر و احیای امر اهل بیت علیهم‌السلام است. پس تلاش کنید تا آخر ماه صفر نشاط خود را با شور حرارتی که در همین دهه داشتید حفظ کنید. توصیه دیگر در خصوص حسینیه‌هایی است که در گوشه و کنار دنیا در کشورهای مختلف، اعم از اسلامی و غیر اسلامی میزبان مجالس عزای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام بوده‌اند. از گردانندگان و صاحبان این حسینیه‌ها تقاضا می‌کنم که مجالس خود را هرچند اندک و مختصر باشد ادامه دهند و سعی کنند هر سال بهتر از سال قبل باشد. هستند حسینیه‌هایی که دو ماه تمام و تا هشتم ربیع الأول عزاداری پیوسته در آن‌ها برقرار است. خوشا به سعادتشان! با این حال کسانی که چنین توانی ندارند از تلاش دست برندارند و در باشکوه‌تر اجرا کردن عزاداری‌ها و افزودن بر تعداد و کیفیت آن‌ها تلاش کنند.

آن‌گونه که از تماس‌های تلفنی و پیگیری‌ها پیداست دهه اول محرم امسال، خاصه در این شب مهم، بحمدالله در اقصی نقاط



دنیا عزاداری برقرار بوده و انواع شعائر پر شورتر از همیشه اجرا شده است. خوشا به حال کسانی که دستی در این کارها داشته‌اند. حتی اگر با ترس و تحمل مشکلات همراه بوده است.

اربعین را باید پرشورتر برگزار کرد

اربعین امام حسین علیه السلام یکی از شعائر مقدس آن حضرت و بلکه از شعائر بزرگ اسلام است که تأکید و توصیه بسیاری بدان شده است. جمعیت شرکت کننده در این مراسم پرشور به بیست و پنج میلیون نفر می‌رسد. قسم عمده‌ای از این جمعیت متعلق به عراق است. با این حال نسبت شرکت کنندگان از مناطق دیگر جهان نیز بالاست. این موضوع دور از انتظار نیست؛ زیرا مریدان آن حضرت در دنیا فراوان‌اند. شیعیان که امروزه از جمعیت زیادی در دنیا دارا هستند، همگی مرید و دل‌باخته آن حضرت‌اند. گذشته از آن‌ها، صاحبان مذاهب و ادیان دیگر جهان که علاقه‌مند و شیفته حضرت امام حسین علیه السلام هستند نیز اندک نیستند.

در میان یهود و نصاری و زرتشتیان و بوداییان و حتی صابئه هستند کسانی که توجه و علاقه خاصی به حضرت دارند. بنده



خود در زمان اقامتم در عراق شاهد ابراز ارادت بسیاری از اینها به آستان حضرت سیدالشهدا علیه السلام بودم. اینها هم در عزاداری‌ها شرکت می‌کردند و گاهی هم خود عزاداری‌های مستقل داشتند. آری، مراسم اربعین و عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام در موسم اربعین، عمومیتی فرامذهبی دارد. جا دارد در بذل توجه و گرم کردن این مراسم هرکس به قدر تلاش خود گامی بردارد. بسیاری از انسان‌ها مشتاق حضور در این مراسم پرشور هستند اما مشکلاتی مانع حضور آن‌ها در این مراسم شده است. برخی به دلایلی ممنوع الخروج هستند. کسانی که دستی در کار دارند و می‌توانند برای این عده چاره‌ای بیندیشند، البته جزا و اجری بزرگ در پیشگاه خدای متعال خواهند داشت.

مشکلات اقتصادی و معیشتی نیز متأسفانه از عواملی است که بر عدم حضور بسیاری از مردم سایه افکنده است. تسهیل در امور آمد و رفت زائران، تأمین وسایل نقلیه از قبیل هواپیما و ماشین و فراهم آوردن نیازها و احتیاجات زائران، همه نیازمند تلاش‌های مهم و ارزشمندی است.



این قبیل کارها از یک نفر بر نمی‌آید و نیازمند مساعدت و همکاری همگی است. در روایاتی که در باب اضحیه (قربانی) آمده است وارد شده که کسانی که استطاعت ندارند قربانی کنند با مشارکت هم این کار را انجام دهند. حتی آمده که دو نفر، ده نفر و حتی هفتاد نفر جمع شوند و با مشارکت همدیگر قربانی کنند. قربانی کردن مستحب است. چه ایرادی دارد این شیوه را در راه شعائر به کار ببریم. مثلاً یک نفر را به کربلا بفرستیم. یا افراد زیاد جمع شوند و با مشارکت هم مثلاً صد نفر را به زیارت بفرستند.

مشکل بعضی‌ها را هم که به دلایل مشکلات سیاسی برای خروج از کشور ممنوعیت دارند می‌توان با واسطه‌شدن در نزد وزیر و وکیل و مسئولان دیگر حل کرد.

از این‌رو علاوه بر اینکه دیگران به ثوابی می‌رسند، خود شما هم از این راه برای سعادت دنیا و آخرت خود تلاشی درخور کرده‌اید. امروزه در امر آمد و شد زوار و استقبال و پذیرایی از آن‌ها تلاش‌های ارزشمند بسیاری انجام شده که سزاوار قدردانی



است. اما دو مورد همچنان باقی مانده که آن هم مستلزم همکاری و مشارکت بیشتر دولت‌هاست. یکی از این موارد موضوع ویزا و رواید زائران است. در میان زائران اربعین و مشتاقان زیارت حضرت ابا عبدالله علیه السلام بسیارند کسانی که برای خروج از کشور خود به دلایل مختلف، ویزا به آنها تعلق نمی‌گیرد. برطرف کردن موانع خروج این عده و تسهیل در زیارت آنها در نزد حضرت ابا عبدالله علیه السلام البته اجری بزرگ دارد.

حساب و کتاب ما دست امام حسین علیه السلام است

در روایات آمده است که حساب انسان‌ها پیش از برپایی قیامت با حضرت امام حسین علیه السلام است. حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِي يَلِي حِسَابِ النَّاسِ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ؛^۱ کسی که عهده دار رسیدگی به حساب [و کتاب] مردم پیش از فرارسیدن [روز] قیامت است، حسین بن علی است.»

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۳ و مختصر البصائر، (باب في الكرات وحالاتها وما جاء فيها)، ص ۱۱۷.



و در این روایت مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان و شیعه و سنی هستند. شکی نیست روزی این جهان را ترک خواهیم کرد. «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ»^۱ بی گمان تو می میری و آن‌ها نیز خواهند مُرد».

هنگامی که انسان سفر بی بازگشت آخرت را آغاز می کند، چندین بار در معرض حساب و کتاب قرار می گیرد. این محاسبه ها در موقعیت ها و زمان های مختلف انجام می شود. روایات وارد شده از معصومان علیهم السلام حاکی از آن است که آدم آن لحظه که جان از بدنش جدا می شود، فارغ از اینکه در خانه باشد یا بیمارستان و مرگ او ناشی از حادثه ای بوده یا به مرگ طبیعی بمیرد، روح از تنش جدا می گردد و به آسمان می رود و خدای متعال محاسبه ای سریع از آن می کند و از مسائلی که به کل زندگی اش بر می گردد سؤال می کند. این محاسبه تا پیش از برداشتن جنازه از روی زمین پایان می یابد.

۱. سوره زمر، آیه ۳۰.



حساب و کتاب دوم در شب اول مُردن انجام می‌شود، چه او را به خاک سپرده باشند و چه مانند امروزه هنوز در یخچال مانده و هنوز تشییع نشده باشد. در روایت‌ها هم اشاره به «اول لیلۃ؛ شب اول» شده است. این محاسبه بر عهده دو ملک نکیر و منکر است. حساب دیگر مربوط به روز قیامت است که همان حساب و کتاب کامل و دقیق خدای متعال است که کوچک و بزرگی از قلم نمی‌افتد. اما پیش از آن، محاسبه دیگری نیز هست. این محاسبه همان است که در روایت پیشین سخنش به میان آمد و همان‌گونه که بیان شد با حضرت سیدالشهدا علیه السلام است.

مأمور معذور یا موزور؟

با این توصیف همه ما روزی با حضرت امام حسین علیه السلام رو در رو خواهیم شد، مبادا در آن هنگام شرمسار و سرافکننده باشیم؛ حال به هر دلیلی مانع زیارت کسی شده باشیم، از خروج زائری جلوگیری کرده باشیم یا ویزای کسی را صادر نکنیم. مثلاً به دلیل داشتن ایراد یا اشکالی از صدور گذرنامه‌اش امتناع کنیم و بگوییم ممنوع الخروج بوده است و غیره. یادم می‌آید که سابق



در عراق مأموران حکومتی جمله «المأمور معذور» ورد زبانشان بود. هرگاه چیزی از آن‌ها می‌خواستی به دلیل اینکه مأمورند، خود را معذور می‌دانستند و زیر بار انجام‌دادن آن نمی‌رفتند.

مأمور در صورتی معذور است که مضطر باشد و آن هم در دل نخواهد که آزادی کسی را از او بگیرد و تا جایی که در امکانش هست در حل مشکلات بقیه تلاش کند، وگرنه «المأمور موزور»، یعنی «وزر» و گناه پایش نوشته خواهد شد. کسانی که به جنگ امام حسین علیه السلام آمدند، همگی مأمور بودند. آیا می‌توان آن‌ها را به سبب این جرم بزرگ معذور دانست؟!

کار آنچنان دشوار بود که شخص طلبکاری در همان روزهایی که ابن زیاد مردم را برای رفتن به کربلا بسیج می‌کرد برای گرفتن طلب خود به کوفه آمده بود. به ابن زیاد گفتند که این شخص اهل کوفه نیست و فقط برای این آمده است که طلبش را بگیرد و برود. ابن زیاد دستور داد که او را بکشند تا عبرتی شود برای دیگران، مبادا کسی از امر او سرپیچی کند و برای رفتن به جنگ با امام حسین علیه السلام، عذری بیاورد.



افزودن قابلیت‌ها و توانایی‌ها برای زیارت اربعین

تلاش کنید و آشنایان خود در خارج از کشور را نیز به مشارکت و همکاری در خدمت به زائران حضرت ابا عبدالله علیه السلام تشویق کنید. هر چه می‌توانید کمک کنید. حضرت فرمودند جمع شوید و با یکدیگر یک «اضحیه» (قربانی) کنید، حتی اگر هفتاد نفر شوید. این همکاری و مساعدت در تسهیل زیارت زائران اربعین البته کم از اضحیه عید قربان نیست. در جهانی که چند صد میلیون و بلکه چند میلیارد علاقه‌مند به امام حسین علیه السلام هستند آیا رواست که فقط بیست میلیون در زیارت اربعین شرکت کنند؟ آیا اگر مشکلات پیش روی زوار، از مالی و اداری و جز آن برطرف گردد، شمار زائران آن حضرت چندین برابر نخواهد شد؟ البته این جمعیت همان‌گونه که همه اذعان می‌کنند در نوع خود بی‌نظیر است. اگر پنجاه سال پیش به ما می‌گفتند که بیست میلیون زائر برای اربعین به کربلا خواهد آمد بی‌درنگ می‌گفتیم این جمعیت کجا می‌روند؟ کجا می‌خوابند؟ چه کسی محل اسکان و خوراک آن‌ها را تأمین می‌کند؟ اما امروزه بحمدالله



همه این مشکلات حل شده و امکانات کافی برای پذیرایی از زائران آن حضرت فراهم شده است.

با این نگرش باید خود را برای جمعیت‌های با شمار بیشتر آماده کنیم. اگر به لطف و مدد اهل بیت علیهم‌السلام بر زائران آن حضرت افزوده گردد، طبعاً باید برای تأمین و اسکان آن‌ها هم پیشاپیش تمهیدی اندیشید.

به هر حال هرچه در توان داریم در راه زیارت اربعین خرج کنیم تا فردای قیامت هنگامی که چشمانمان در چشمان حضرت امام حسین علیه‌السلام افتاد از شرمندگی سر به زیر نیفکنیم یا اینکه نام ما را در رده‌های پایین‌تر فهرست زائران حضرت ثبت نکنند. بی‌گمان تلاش‌های ما در نظر آن حضرت است و «بارک الله» آن حضرت ارمغان موفقیت ما خواهد بود و چه ارزشی در دنیا و آخرت بالاتر از اینکه مولا و سرورمان از ما راضی باشد.

آثار مخرب اظهارنظرهای غیر تخصصی

پایان‌بخش سخنانمان را تأکید بر مطلب سابق‌الذکر قرار می‌دهیم. اظهارنظرهای غیر عالمانه و غیر تخصصی در حوزه



امور دینی تبعات سنگینی در دنیا و آخرت در پی دارد. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام که سید البلغاء والفصحاء است در روایتی این موضوع را به روشنی بیان فرموده‌اند. حضرت می‌فرماید: «**قضم ظهري اثنان: عالم فاسق و جاهل ناسك**»^۱ کمرم را دو نفر شکست: عالم فاسق و جاهل متعبّد.

شکسته‌شدن کمر - که اینجا کنایه از سختی و جانفرسایبودن امری است - در زبان عربی تعبیر گوناگونی دارد. اگر از «کسر» استفاده شود، یعنی شکسته شد. اگر طوری شکسته شود که اصطلاحاً دو تکه از هم جدا گردد، «قطع» را به کار می‌برند. اما «قضم» گویای نوعی شکستن است که درمان نمی‌پذیرد. این تعبیر را در امور صعب‌العلاج و جبران‌ناپذیر به کار می‌برند. حضرت در خصوص این دو دسته، یعنی عالمان بی‌عمل که در پی هوا و هوس دنیا هستند، و نیز جاهلانی که از دین جز مناسک و اعمال ظاهری چیزی دریافته‌اند، می‌گوید: اینها کمر شکن هستند.

۱. الدرّ النظیم فی مناقب الائمة اللھامیم (ج: قم، جامعه مدرسین، بی‌تا)، ص ۳۷۸.



کسانی که بدون آشنایی با مسائل شرعی اظهار نظر می‌کنند و چیزی را حلال یا حرام می‌دانند غالباً از این دسته دوم هستند. اما در عالمان نیز اندک نیستند کسانی که بر خلاف واقع اظهار نظرهای ناصواب می‌کنند. علی بن ابی حمزه بطائنی، زیاد قندی، ابن ابی العزاقر شلمغانی، شریعی، بلالی، هلالی و بسیاری دیگر از علما و از یاران ائمه علیهم‌السلام که از امر آنها سرپیچی کرده‌اند، در این دسته جای دارند.

تعدد مطلوب

آماده‌شدن برای افزایش جمعیت زائران حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در موسم اربعین از دیگر وجوه اهتمام مؤمنان باید باشد. اگر جمعیت بیست میلیونی به چهل یا شصت میلیون افزایش یابد، طبیعی است که تأمین خورد و خوراک و اسکان و وسایل ایاب و ذهاب و جز آن را می‌طلبند. از این رو باید در صدد توسعه قابلیت‌ها و امکاناتمان باشیم. اینها همه در نزد خدای متعال در خور اجر و ثواب است، به گونه‌ای که



دست‌اندرکاران زیارت اربعین در اجر زیارت یکایک زائران از ابتدای محرم تا انتهای ماه صفر سهیم خواهند بود؛ چراکه اگر تلاش‌ها و مساعدت‌های پیگیر آنان نمی‌بود چه‌بسا زائران محترم بارگاه ملکوتی آقا سیدالشهدا علیه السلام با مشکلات بسیاری رودررو می‌شدند. این دست‌پیش‌بینی‌ها و توسعه امکانات در اصطلاح فقهی در بحث «تعدد مطلوب در امر مستحبات» جای دارد.

در کل باید کوشید فردای قیامت که حساب خلاق با حضرت سیدالشهدا علیه السلام است، در برابر آن حضرت سرافکنده و شرمسار نگردیم. اگر خدمت و ارادت خود را به حضرت در دنیا ثابت کرده باشیم، بی‌گمان بهره‌افری خواهیم برد. آن روز هنگام رویارویی با حضرت خدمت‌ها و تلاش‌های خود را به یاد می‌آوریم و از حضرتش درخواست دستگیری خواهیم داشت. در قرآن کریم نیز آمده است: «يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى؛^۱ روزی که انسان تلاش‌هایش را به یاد خواهد آورد».

۱. سوره نازعات، آیه ۳۵.



در آن روز همه زندگی و تلاش‌هایمان یکباره در پیش
چشمانمان می‌آید و امیدی و دستگیری نیست در آن روز جز
محبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت طاهرین علیهم السلام. امید
آنکه خدای عزوجل این قبیل توفیقات را به هر کس که عنایت
کرده است مستدام بدارد و بر توفیقاتش بیفزاید. نیز به کسانی که
در این امور تاکنون شرکت نکرده‌اند، خدای متعال توفیق خدمت
به آن حضرت را مرحمت بفرماید.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین